

کرانه

سرنخ‌های جادویی

سیده ربابه میرغیائی

■ «وقتی به من می‌رسی» معتبرترین جایزه جهانی ادبیات کودک، یعنی مدال نیوبری را در سال ۲۰۰۹ برای «ریکاستید» به ارمغان آورد. این کتاب در سال ۲۰۰۹ میلادی منتشر شد و خیلی زود در فهرست کتاب‌های پرفروش آمریکا جای گرفت. به تازگی ترجمه فارسی آن نیز توسط «کیوان عبیدی آشتیانی» از سوی «شرق افق» چاپ شده‌است.

چیزهایی که گم می‌شوند

ماجراهای «وقتی به من می‌رسی» در سال ۱۹۷۹ میلادی در شهر نیویورک اتفاق می‌افتد، یعنی محل تولد خاتم‌الاستید. در واقع، نویسنده، این داستان را با الهام از دوران کودکی خودش و کتاب مورد علاقه‌اش نوشته که ماجرای آن درباره «دختری به نام مگ است که پدرش گم شده و او برای نجات جانش به یک سیاره دیگر می‌رود.»
شخصیت اصلی و راوی «وقتی به من می‌رسی» نیز دختری دوازده ساله است به نام «میراندا» که در کلاس ششم درس می‌خواند و با مادرش زندگی می‌کند. او «در زمان حال، از گذشته‌ای می‌نویسد که به آینده‌اش بستگی دارد.» این رمان مجموعه‌ای است از یادداشت‌های میراندا درباره حوادث چند ماه اخیر زندگی‌اش. درواقع او تلاش می‌کند تا با یادآوری این حوادث معمای داستان را حل کند. می‌پرسید کدام ممعا؟ کمی صبر کنید، خواهیم گفت.

چیزهایی که خراب می‌شوند

این کتاب روایت تازه‌ای است از سفر در زمان. یعنی یک داستان تخیلی، درست است که سفر در زمان یک موضوع خیالی است اما «وقتی به من می‌رسی» یک رمان صرفاً تخیلی نیست. داستان این کتاب با پایان دوستی میراندا و «سال» آغاز می‌شود؛ یعنی روزی که سال از «مارکوس» مشت می‌خورد. این طرح با یادداشت‌هایی مر موز از سوی یک شخص ناشناس گسترش می‌یابد. یادداشت‌هایی که هیچ کس نباید چیزی درباره آنها بداند تا او بتواند از مرگ ناگهانی سال جلوگیری کند اما چرا سال باید بمیرد؟ این سوال را فعلاً گوشه ذهن تان نگه دارید تا اول درباره ساختار و ویژگی‌های رمان بگوییم.

چیزهایی که باعث شگفتی می‌شوند

«وقتی به من می‌رسی» به گونه خط داستانی اصلی پیش می‌رود؛ یکی همین داستان جدایی میراندا و دوستش، سال. دیگری ماجرای شرکت کردن مادر میراندا در مسابقه بیست‌هزار دلاری «میرامید» و، آخری، معمای مرد خنדרه؛ یک مرد بسیار عجیب که ظاهراً بی‌خامان است و در نزدیکی آپارتمان میراندا، توی پیاده‌رو و در «وقتی به من می‌رسی» به گونه خط داستانی اصلی پیش می‌رود؛ یکی همین داستان جدایی میراندا و دوستش، سال. دیگری ماجرای شرکت کردن مادر میراندا در مسابقه بیست‌هزار دلاری «میرامید» و، آخری، معمای مرد خنדרه؛ یک مرد بسیار عجیب که ظاهراً بی‌خامان است و در نزدیکی آپارتمان میراندا، توی پیاده‌رو و در

صندوق پست زندگی می‌کند. خاتم‌الستید درباره زندگی مردم و محله داستانی‌اش بسیار دقیق می‌نویسد. مهارت و قدرت وی در شخصیت‌پردازی و توصیف مکان وقوع داستان هم‌ذات‌پنداری خواننده را برمی‌انگیزد، تعلیق لازم را ایجاد می‌کند و مخاطب را مجذوب و مسحور می‌سازد. نویسنده با هوشمندی فوق‌العاده یک پازل هیجان‌انگیز را در متن رمان طراحی می‌کند و سپس، سرنخ‌هایی را در اختیار خواننده می‌گذارد تا او را ز راه‌های پنهان ماجرا ار کشف کند؛ رازهایی درباره رازهای شخصی، در دستکاری و دوستی، از این‌رو، می‌توان گفت این کتاب ترکیبی از ژانرهای مختلف است؛ یک داستان شهری و خانوادگی که نویسنده آن درباره شرایط اجتماعی، سبک زندگی و پیچیدگی‌های دوستی سخن می‌گوید. درواقع، خاتم‌الستید موضوع تکراری سفر در زمان را با روایتی متفاوت برای خواننده طرح می‌کند؛ طرحی غریب‌الطبی پیش‌بینی که هر کلمه و هر جمله آن بارازی همراه است.

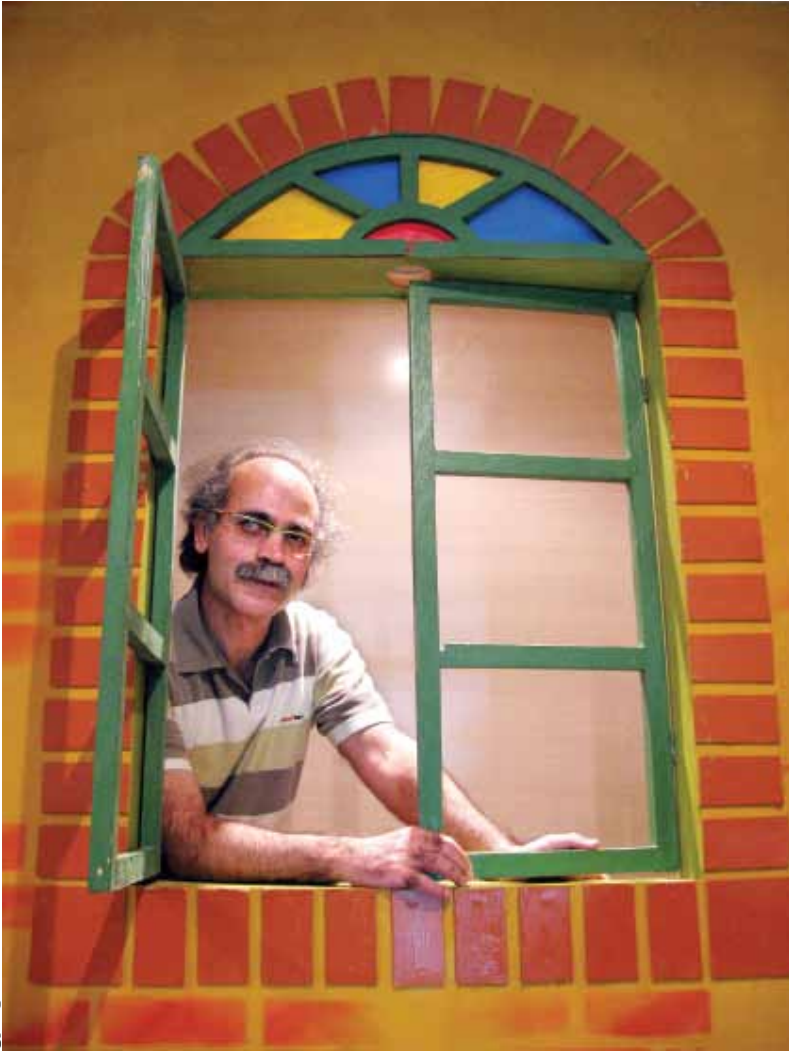
چیزهایی که وارونه می‌شوند

حالا برگردیم به سوالی که پرسیدید؛ چرا سال باید بمیرد؟ شما را به فصلی از کتاب با عنوان «آخرین پیغام» ارجاع می‌دهم که به نظر من هیجان‌انگیزترین فصل این رمان است. قسمتی که اتفاق اصلی در آنجا رخ می‌دهد؛ فصل برخورد دوباره مارکوس با سال که به مرگ مرد خنדרه و منجر می‌شود. چرا؟ برای اینکه سال زنده بماند. دوباره می‌رسید چرا سال باید بمیرد؟ می‌دانید وقتی سال، مارکوس را می‌بیند شروع می‌کند به دودیدن. مارکوس هم پشت سر او می‌دود. ناگهان کامیون بزرگی از راه می‌رسد اما سال انقدر تند می‌دود که نمی‌تواند متوقف شود. در لحظه‌ای که سال رویه‌روی مرگ ایستاده، مرد خنדרه و به او لگد می‌زند، سال پرت می‌شود و کامیون به مرد خنדרه می‌خورد. خواننده از طریق نشانه‌هایی که میراندا کشف می‌کند، بالاخره متوجه می‌شود که مرد خنדרه در همه داستان، بار این اتفاق وحشتناک را حمل می‌کرد و یادداشت‌های مر موز را برای میراندا می‌نوشت. می‌پرسید مرد خنדרه و از کجا می‌دانست چه اتفاقی برای سال می‌افتد؟ نگفتم؟ او از آینده آمده بود. چرا؟ برای اینکه سال را نجات بدهد. نه، او پدر یا برادر سال نبود. می‌پرسید پس مرد خنדרه کیست؟ پاسخ این سوال بماند برای وقتی که کتاب را می‌خرید و خودتان لذت کشف هویت این مر موز را تجربه می‌کنید.

ادبیات کودک

گفت‌وگو با فرهاد حسن‌زاده درباره طنز در ادبیات کودک و نوجوان

مورچه چیه که کله پاچه‌اش چی باشه!



فرهاد حسن‌زاده

موبایل می‌تواند امواج را بگیرند و تبدیل به صوت و تصویر کنند، نویسنده هم با شاخک‌های حساسی که دارد می‌تواند سوزنهایی که در فضای اطرافش هست، بگیرد و تبدیل به داستان کند. هر روز تعداد زیادی سوزه از روزنامه‌ها، دیدارهایی که با بچه‌ها معلوم‌ها دارم، زندگی شخصی و خانواده خودم، تاکسی، اتوبوس، مترو به سراغم می‌آیند و من تنها بخشی از آن را شکار می‌کنم. بخشی هم مربوط می‌شوند به دوران کودکی و نوجوانی خودم که البته سعی می‌کنم برای خواننده امروزی جذاب باشد و خواندنی.

فضا فضاها یی از آبادان که در بعضی آثار تان هست؟

بله، در «مهمان مهتاب»، «عقرب‌های کشتی بمبک»، «حیات خلوت» و آخرین رمانم «هستی» رد پای تجربه‌های شخصی زندگی‌ام دیده می‌شود. جاهایی است که در آنها زندگی کردم یا ماجراهایش برای خودم اتفاق افتاده است.

از نویسنده یا کتاب خاصی هم تاثیر گرفته‌اید؟

بله در دوره خاصی از کارهای احمد محمود و محمود دولت‌آبادی.

که هیچ کدام هم کار کودک و نوجوان ننوشته‌اند.

نه، اما شخصیت‌های نوجوان در کارهایشان داشته‌اند. به‌خصوص در کارهای احمد محمود نوجوان‌ها خیلی پررنگ و جسور هستند. مثل «پاران» در «مدار سفر در چه» یا «خالد» در «همسایه‌ها». پیرامون ما تصویری غلط و خنده‌دار وجود دارد که گمان می‌کند کسانی که برای بچه‌ها می‌نویسند پس از چند سال رشد می‌کنند و می‌توانند برای بزرگ‌ترها هم بنویسند. اگر این تصور را درست بدانیم، من نویسنده‌ای هستم که نوشتن برای بزرگ‌ترها را کنار گذاشتم و قدم به دنیای رزبایی کودکان گذاشتم؛ یعنی حرف‌کنی معکوس داشته‌ام، اما من این دورا از هم جدا نمی‌دانم. مهم این است که از هر دو شناخت داشته باشیم و بتوانیم سوزه‌ام را بر دل مخاطبم بنشانم.

بیشتری بین بچه‌ها دارند و بیشتر به خاطر شرایط زندگی مدرن است، یا داستان‌هایی که همراه با آشنایی زدایی باشد یعنی بر اساس افسانه‌ها و قصه‌ها، داستان‌های جدیدی خلق شوند که حرف تازه‌ای از آن استنباط شود.

فکر می‌کنید در مرحله‌ای هستیم که بتوانیم از آسیب‌شناسی حرف بزنیم؟

دوباره می‌گوییم مورچه چه که کله پاچه‌اش چه باشد. تا وقتی نویسنده‌ها و کتاب‌هایمان محدود هستند نمی‌توانیم کاری بکنیم. سال پیش کسی از کرمانشاه با من تماس گرفت و گفت می‌خواهد در مورد طنز در ادبیات کودک پایان‌نامه بنویسد. گفتم: کودک و نوجوان؟ گفت: نه فقط طنز کودک. به‌او گفتم: کار خودت را ساخت نکن. در این حوزه ما چیز دندان‌گیری نداریم که بشود براساس آن کار کرد. البته یک بخش از طنز ما طنز ترجمه است که اگر اینها را با طنز خودمان جمع کنیم شاید بشود کار کرد.

همان طور که در همه حوزه‌ها خط قرمزهایی داریم در طنز مهم‌ترین آنها را چه می‌دانید؟
از خط قرمزها نگویید که حالا در بخش کودک و نوجوان بیشتر است و این به دلیل نگاه اخلاقی رایجانه‌ای است که بر ادبیات کودک و نوجوان حاکم است. بعضی‌ها به‌شدت نگران بدآموزی‌ها و دلواپس ذهن‌های پاستوریزه بچه‌ها هستند. شاید اگر از درچه چشم آنها نگاه کنیم بتوانیم در شعر و داستان پند و اندرز بدهیم و بچه‌ها مردم را به راه راست هدایت کنیم ولی از طنز نمی‌توان چنین انتظاری داشت و باید برای حس کردن دریا کمی هم خیس شد.

سوزه‌ها چطور به سیراغ تان می‌آیند یا اینکه شما به سیراغ سار می‌روید؟

سوزه‌ها مثل امواج الکترونیکی پیرامون ما موج می‌خورند. کسی که اهل نوشتن نباشد از کنار این سوزه‌ها می‌گذرد، اما همان طور که دستگاهی مثل رسیور ماهواره یا

شادی خوشکار: ورو به ادبیات کودک و نوجوان برای فرهاد حسن‌زاده با چاپ دو کتابش در شیراز شروع شد. در همان سال‌ها وارد مطبوعات شد و در کیهان بچه‌ها، سوره نوجوان، سروش کودک، سروش نوجوان، آفتابگردان و دوچرخه قلم زد. تجربه سال‌ها کار در مطبوعات کودک و نوجوان به او شناخت خوبی نسبت به موقعیت طنز در این حوزه و نقاط قوت و ضعف آن داده است. به خصوص که از همان سال‌های اول ورودش به کیهان بچه‌ها، تصمیم گرفت برای جای خالی طنز در مطبوعات کودک و نوجوان کاری بکند. «عقرب‌های کشتی بمبک»، «هندوانه به شرط عشق»، «از صدای یاران خوشم می‌آید»، «بندر خرتی که برای خودش دل داشت» و این اواخر «هستی» تعدادی از کتاب‌های او هستند که یاد قالب طنز نوشته شده‌اند یا نکته‌های طنز آمیز در آنها به چشم می‌آید. به دنبال نتیجه سال‌ها کار فرهاد حسن‌زاده به عنوان نویسنده و طنزپرداز، از سختی‌ها و شیرینی‌ها و بایدها و نبایدهای این کار گفت وگو کردیم.

برای شروع، تعریفی از طنز نویسی در ادبیات کودک و نوجوان و تفاوتی که احتمالاً با طنز برای بزرگسالان دارد بگویید.

البته من از تعریف‌ها گریزان هستم و فکر می‌کنم دست و پایمان را می‌بندند. ما برای کودک و نوجوان، طنز به آن مفهومی که برای بزرگسالان می‌شناسیم، نداریم. برای کودک‌ان ما با یکی از شاخه‌های شوخ‌طبعی که همان فکاهی باشد، مواجه هستیم. بیشتر ما به اشتباه هر نوشته خنده‌دار را طنز می‌نامیم. در حالی که طنز هم مثل فکاهی، هزل و هجو خودش یکی از زیرشاخه‌های شوخ‌طبعی است. البته خود من هم برای راحت‌تر حرف زدن از واژه طنز استفاده می‌کنم. اما وقتی از دور به آن نگاه می‌کنم نمی‌توانم به آن طنز بگویم. برای این گروه سنی بیشترین هدف خندان و سرگرم کردن مخاطب است که البته این‌ا کار باید آگاهانه و مبتنی بر شناخت از دنیای آنها باشد. طنز بزرگسالان رسالتش چیز دیگری است. ریشخند، نیشخند، انتقاد و آگاهی بخشیدن است.

و برای نوجوان‌ها هم همین‌طور؟

نه، برای نوجوانان فرق می‌کند. آنها در حال دگرگونی و حرکت از کودکی به جوانی هستند، پس طنز آنها هم باید بر اساس روانشناسی رشد آنها باشد. طنز آنها مقوله‌ای است بین طنز کودک و بزرگسال. وقتی برای نوجوان می‌نویسم می‌توانم به مسایل اجتماعی و اما حتی سیاسی هم توجه کنم و با زبان خاص خودش و از در بچه چشم او به این جور مسایل نگاه کنم. آنچه که در طنز این‌دو گروه سنی از آن خبری نیست اما در طنز بزرگسالان هست استفاده از هزل، هجو و طنز گروتسک یا طنز سیاه است؛ چون قرار نیست بچه‌ها را بگرانایم.

قرار است نوجوان از طنز به چه چیز برسد و خودش دنبال چه چیزی است؟

نوجوان دنبال شناخت دنیای خودش و اطرافش است؛ شناخت از رابطه‌ای بین آدم‌ها و جامعه‌ها و شناخت از بعضی پدیده‌هایی که قرار است در آینده با آنها مواجه شود. او در حال رشد و یادگیری است. طنز به او می‌آموزد که اولاد در برابر مسایل دور و برش بی تفاوت نباشد و با ناگهی انتقادی به آن نگاه کند. دوم اینکه طنز بعضی از تابوها را در ذهن او می‌شکند و زمینه‌ساز این می‌شود که خود او هم ممکن است در معرض نگاه منتقدانه قرار بگیرد، پس مسوولیت‌پذیر می‌شود؛ از سویی دیگر یاد می‌گیرد که برای به دست آوردن خواست‌اش می‌تواند از زبان شوخی و از در خنده وارد شود. کاری که بسیاری از بزرگان و ادیبان در دور‌های مختلف تاریخی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند. وجه دیگرش پیدا کردن روحیه امید، نشاط و سرزندگی است.

شما به دنبال احساس نیاز و جای خالی طنز در ادبیات کودک و نوجوان وارد این حوزه شدید. در دوره‌ای که حتی در مهم‌ترین محله‌های کودک و نوجوان مثل کیهان بچه‌ها هم صفحه طنز وجود نداشت، آستین بالا زدید و کار تان را شروع کردید. الان به عنوان یک نویسنده این حوزه وضعیت را چطور می‌بینید؟

ما که مثل بعضی‌ها به دنبال آمارسازی و باز دادن نیستیم. راستش را بخواهیم اتفاق خاصی نیفتاده، یعنی نسبت به ۱۰، ۱۵ سال قبل شاید یک پله، شاید هم نه، بغضات ما خیلی

مترجم، نیولوفر امرایی: مجموعه «جونز بی جونز» تنها مخصوص کودک‌ان نیست بلکه کسانی هم که به کودک درون خود اهمیت می‌دهند می‌توانند خواننده این مجموعه باشند. نشر ماهی این مجموعه را با ترجمه امیرمهدی حقیقت به چاپ رسانده که به زودی هم جلد نهم و دهم آن در نمایشگاه کتاب منتشر می‌شود. باربارا پارک، ساکن آریزونا ست. وی بیش از ۴۰ جایزه بهترین کتاب را به خود اختصاص داده که ۲۲ جایزه مربوط به کتاب‌های کودک اوست. این گفت‌وگو در سایت نشر رندوم هوس منتشر شده است.

■ ■ ■

منبع الهام شما برای شخصیت پردازی تان چیست؟

شاید منابع الهام من اتفاق‌های پیش پا افتاده و معمولی باشند به‌طور مثال صداها در من تاثیر خاصی دارند. جرقه «جونز بی جونز» با شنیدن صدای بچه‌ها هنگام تعطیلی مدارس در ذهن من شکل گرفت. صدای بچه‌ها منبع الهام بزرگی برای من است.

نویسنده‌ی شغلی بوده که همیشه به آن فکر کنید؟
نه، این شغلی نبوده که من از ابتدا به آن فکر کرده باشم. حتی می‌توانم، بگویم که من در دوره دانشگاه تدریس تاریخ دبیرستان برایم اولویت داشت و به علوم سیاسی هم بسیار علاقمند بودم اما در نهایت نویسنده‌گی باعث شد در زندگی‌ام بتوانم به تمام علایقم ابر برم.

بسیاری از نویسنده‌ها از کودکی دوست داشتند که

اتفاق خودش نمی‌افتد

جشن روز جهانی کتاب باد نویسنده

■ کتابک: جشن روز جهانی کتاب کودک با حضور دو تن از نویسندگان کودک و نوجوان در خانه کتابدار کودک و نوجوان برگزار شد. پس از شورای کتاب کودک و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، خانه کتابدار، روز جهانی کتاب کودک را به همراه کودک‌ان و نوجوانان در سی‌امین روز از فروردین ماه جشن گرفت. خانه کتابدار که هر سال جشن روز جهانی کتاب را در روزهای پایانی فروردین ماه برگزار می‌کند، از اسفندماه سال گذشته با انتخاب و در دسترس قرار دادن دو کتاب «روباه غذای لک‌لک را چه جوری خورد» برای کودک‌ان و «جنگ که تمام‌شد بیدارم کن» برای نوجوانان عضو خانه کتابدار، به استقبال این روز رفته بود. نوجوانان کتاب‌خوان گروه سنی «ج» و «د» (پایانی دبستان و راهنمایی) در جشن امسال، نشست دوستانه‌ای با عباس جهانگیریان نویسنده و نمایشنامه‌نویس داشتند. در این نشست، گفت‌وگوی صمیمانه‌ای درباره کتاب «جنگ که تمام‌شد بیدارم کن» انجام شد. اعضای کتابخانه که این کتاب را خوانده بودند نقدهای جالبی بر روی این اثر داشتند. اعضای نوجوان خانه که کتاب «جنگ که تمام شد بیدارم کن» را خوانده بودند، بر این باور بودند که کتاب رابطه خوبی با مخاطب نوجوان برقرار می‌کند. آنها به دقت و وسایر موشکافانه اثر را نقد کردند و با بنویسنده به گفت‌وگو پرداختند. عباس جهانگیریان، ضمن ابراز خوشحالی از اینکه نوجوانان عضو خانه با این دقت کتساب او را خوانده بودند، به آنها پیشنهاد کرد هنگام خواندن هر کتاب، یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشند و نکات مثبت و منفی اثر را یادداشت کنند و به عناصری هم چون زبان نثر، شخصیت پردازی و ساختار توجه کنند.

سومین همایش

ادبیات کودک در شیراز

■ سومین همایش ادبیات کودک نیمه دوم اردیبهشت امسال از سوی مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز برگزار می‌شود. محور همایش بین‌المللی ادبیات کودک دانشگاه شیراز، «شعر کودک» است و همایش طی دو روز برگزار می‌شود. در فراخوان سومین همایش بین‌المللی ادبیات کودک دانشگاه شیراز با نامه کامل این همایش و دوره اعلام شده عنوان برخی سخنرانی‌ها و کارگاه‌ها هم آورده شده است. مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز امسال برای نخستین بار اقدام به راهاندازی رشته ادبیات کودک در مقطع کارشناسی ارشد کرده است. همایش طی دو روز برگزار می‌شود. در فراخوان سومین همایش بین‌المللی ادبیات کودک دانشگاه شیراز با نامه کامل این همایش و دوره اعلام شده عنوان برخی سخنرانی‌ها و کارگاه‌ها هم آورده شده است. مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز امسال برای نخستین بار اقدام به راهاندازی رشته ادبیات کودک در مقطع کارشناسی ارشد کرده است. برگزاری همایشی به وسعت همایش علمی دانشگاه شیراز، تقریباً در حوزه ادبیات کودک کشور کم‌سابقه است که کاووس حسن‌لی، دبیر علمی سومین همایش ملی ادبیات کودک را به عهده دارد. اولین و دومین دوره این همایش بین‌المللی در سال‌های ۸۷ و ۸۸ در شیراز برگزار شد. همایش نخست با موضوع «نقد و نظریه داستان» و موضوع همایش سوم با «بررسی شعر کودک» برگزار شد.

آثار تصویری ایران در آلمان

■ نخستین نمایشگاه تصویری ایران در آلمان، روز چهاردهم ماه مه برابر با ۲۴ اردیبهشت‌ماه در شهر برلین افتتاح خواهد شد. این نمایشگاه به‌دولت نیویورتیان برگزار می‌شود، در چهارم ژوئن برابر با ۱۴ خردادماه به کار خود پایان خواهد داد. در این نمایشگاه سه تصویر از آثار ۱۵ تصویر ایرانی از ۱۸ عنوان کتاب منتشر شده و در نشر شایوینز به نمایش در خواهد آمد که در مجموع ۵۴ تصویر خواهد بود. هم‌زمان کتاب‌ها نیز برای فروش در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. تصویرگران برگزیده و کتاب‌هایی که تصاویر آن در این نمایشگاه به نمایش در خواهد آمد به وسیله کارشناسان و صاحب‌نظران گالری پس از یک سال مطالعه و بررسی انتخاب شده‌اند. در این نمایشگاه همچنین بخشی به نمایش کسب امتیازهای جهانی نشر شایوینز اختصاص یافته‌است تا بازدید کنندگان با این نشر ایرانی بیشتر آشنا شوند.

یک کار گروه برای کتاب‌های کودک

■ انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان مجری بخش کودک و نوجوان نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران امسال نیز همچون چند دوره قبل مسوولیت این بخش را در بیست و چهارمین دوره نمایشگاه برعهده گرفته است. ثبت‌نام از ناشران کتاب کودک و نوجوان در ماه‌های پایانی سال ۸۹ در دو مرحله انجام شد و تاکنون تعداد ۲۲۴ ناشر درخواست حضور در نمایشگاه را به انجمن ارسال کرده‌اند که از این تعداد ۱۹۶ ناشر با مقررات شرکت در نمایشگاه منطبق بوده و شرایط سایر متقاضیان در دست بررسی است. در مجموع ۲۶۰ غرفه برای آرایه یا ناشران کتاب کودک و نوجوان در نظر گرفته شده است. از سازه‌های آلومینیومی موقتی برای استقرار ناشران کودک و نوجوان استفاده شده و بخش کودک و نوجوان از نظر غرفه‌بندی متفاوتی با سال‌ا گذشته ندارد؛ غرفه‌ها طی روزهای آتی آماده و در اختیار ناشران قرار می‌گیرد. مالک تعیین مترها و تحویل غرفه کتاب‌های چاپ شده از سال ۱۳۸۵ به بعد است ولی ناشران می‌توانند کتاب‌های چاپ شده قبل از سال ۱۳۸۵ خود را نیز در غرفه عرضه نمایند. یک کار گروه هفت نفره انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان بخش کودک نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را از نظر اجرایی هماهنگ می‌کند. همچنین در مورد عدم حضور برخی از ناشران گفته شده است: «معیار اصلی برای حضور در نمایشگاه داشتن مجوز نشر بوده و دیگر اینکه در بازه زمانی مشخص ناشران تعدادی کتاب چاپ کرده باشند.»